

درگذشت نصرت رحمانی، شاعر ایرانی

«شاعر شعر سیاه» لقبی است که اهل شعر با شنیدن آن تنها به یاد یک نفر می‌افتند و آن فرد کسی نیست جز نصرت رحمانی. شاعری که ۱۰ اسفند ۱۳۰۸ در تهران به دنیا آمد و ۲۷خرداد۱۳۷۹ در رشت درگذشت. او را شاعر شعر سیاه لقب داده‌اند، زیرا اصلی‌ترین مضامین شعری هواره‌از ابتدا و تا انتهای کارش مضمون مرگ و اندوه است. این مرگ‌طلبی و اندوه جاری در اشعار رحمانی ریشه‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی دارد. ریشه‌هایی که بیش از هر چیز از شرایط اجتماعی و سیاسی پس از کودتای ۲۸مرداد سال ۳۲ نشئت گرفته است.

بوی دهان گنجشک

«من» روی سنگی نشسته است، اما سنگ را نمی‌فهمد. سیگاری می‌گذارد کنار لیش، جان برگی که همین چندی پیش توی یکی از مزارع تنباکوی برازجان دست‌های نازکش را به سمت آفتاب دراز کرده بود،

دزه‌دزه می‌سوزد و از آن رگ‌برگ‌ها که نُسبشان می‌رسد به نهالی در وِز و وِلا، تنها بویی تند می‌ماند و حسی شیرین که من آن را به اعماق ریه‌ها می‌فرستد.

من بلد است در چند ثانیه چند کار مختلف را با گوش‌ی هوشمندش انجام دهد؛ بِلَاک کند، آن بِلَاک کند، لایک کند و پیام‌ها را طوری نگاه کند که سین نخورد.

من فردا جلسه دفاع دارم، می‌خواهد هر چه زودتر مدرکش را بگیرد تا لایلا خاتم که کارشناس گروه معارف است حرصش در بیاید. من خیلی خوب یاد گرفته چطور آدم‌ها را به جان هم بیندازد و بین آن‌ها تفرقه ایجاد کند. «من» همه این هنر‌ها را یکجا دارد. هم شعر سعدی بلد است هم فحش‌های آبدار، هر کجا لازم باشد از هر کدام به غایت استفاده می‌کند.

من هر روز از صفحه اینستاگرام لایلا خانم اسکرین‌شات می‌گیرد، فلسفه‌اش این است: «یک روز این‌ها به درد می‌خورد» و منتظر است لایلا خانم یک کلمه توی پستی، استوری، چیزی بنویسد که به یک جایی، کسی بر بخورد، تا او دستش برای پرونده‌سازی برای لایلاخانم بیا باشد یا خودش که نه، به دوستانش که آن‌ها هم فضایل زیادی دارند بسپارد که برای لایلا خانم پرونده بسازند.

کمی مانده به فیلتر، سیگار را می‌اندازد روی زمین، سیگار مثل سربازی که گلوله خورده باشد می‌غلطد روی زمین، تنش خاکی می‌شود و ساکت می‌افتد، یک گوشه، سهرای که من را با «حسین» اشتباه گرفته، به هوای دانه‌ای، غذایی می‌پرد می‌آید کنار ته سیگاری می‌نشیند. من از روی سنگ بلند می‌شود، صدای ۲ نفر از پشت بیشه‌زار

شنیده می‌شود؛ «حسین داستان‌نما» ست و «عباسعلی سپاهی یونسی» روزنامه‌نگار. حسین هر روز ۸۰ لیتر آب را سوار ۹۲قاطر می‌کند و می‌آورد بالای کوه تا برای حیوانات آب بخذارد.

من از حسین می‌پرسم: «چندوقته این کار رو می‌کنی؟»

حسین می‌گوید: «۳۳سال».

من به حسین می‌گویم: «حتما خدا گناهانت رو می‌بخشه».

حسین سکوت می‌کند، خم می‌شود و جنازه سیگار را از روی زمین بر می‌دارد و لای دستمالی می‌پیچد و دستمال را می‌کند توی جیبش؛ بعد بیغچه‌ای را باز می‌کند، بوی گوجه‌ارپسنجانی و پنیر لیقوان و گردوی تویسرکان می‌زند بیرون. حسین به من تعارف می‌کند. من لقمه‌ای بر می‌دارم، کنار بیغچه شاخه توتونی است که حسین می‌گوید زنش، لایلاخانم، هرروز آن را توی بیغچه می‌گذارد تا شب که از کوه برمی‌گردد بویش بییچد توی شماش.

من می‌نشینم پشت قاطر جوان تر و حسین افسار قاطر را می‌کشد.

آن‌ها سه‌نفری نر سیده به آیشخور بعدی که مخصوص خرس هاست به «نورالدین توسلی» می‌رسند. نورالدین نشسته روی خاک و چیزی را در زمین فرو می‌کند، حسین می‌گوید او ۲۰ سال است که توی دامنه کوه‌ها و تپه‌ماهورها دانه بادام وحشی می‌کارد و تاالان بیشتر از یک میلیون اصله نهال کاشته است.

«من» توی عمرش هیچ دانه‌ای را در زمین نکاشته، همه سبقه‌اش فقط کاشتن یک دانه لوبیا برای کلاس علوم سوم دبستان است و لاغیر. نورالدین می‌گوید: «حسین آقا همه پرنده‌های اینجا را می‌شناسد، حتی بوی دهان آن‌ها را هم می‌داند.» من از همه این‌ها به این فکر می‌کند که چطور می‌شود ۳۳سال هرروز بی‌وقفه آب آورد بالای کوه، یاین همه دانه کاشت توی زمین؟ خورشید دارد پشت کوه جان می‌کند.

حدیث روز

مصلحت زندگی و معاشرت اجتماعی، به پیمانه‌ای پر می‌ماند که دوسوم آن هوش و زیرکی، و یک‌سومش نادیده گرفتن و تجاهل است.

امام جعفر صادق(ع)

 آب و هوا ۱۰٪ ↓ ۲۱ ۳۷° ↑	 آب و هوا ۱۰٪ ↓ ۲۱ ۳۷° ↑
 روز ظهر ۳۶°	 روز صبح ۲۸°
 شب ۳۰°	 عصر ۳۵°

 آب و هوا نیمه شب شرعی ۲۳:۳۸	 آب و هوا اذان ظهر ۱۲:۳۲
 روز اذان صبح فردا ۳:۲۵	 روز غروب آفتاب ۱۹:۵۱
 روز طلوع آفتاب فردا ۵:۱۴	 روز اذان مغرب ۲۰:۱۳



یک کودک ده ساله مشهدی

بر اثر کودک‌آزاری جان باخت



علیرضا پاکدل

این مرگ تدریجی که نصیب جهان می‌کنیم

وقتی نویسنده‌گان با جدیت به جهان توجه می‌کنند، چه می‌کنند؟ شاید کاری که می‌کنند کم از نجات جان چیزها از چنگال مرگ نباشد. از ۲ مرگ؛ یکی کوچک و دیگری بزرگ؛ از تهدید مرگی که قالب ادبی همواره به زندگی تحمیل می‌کند و از مرگ واقعی.

مقصودم از دومی واقعیت محوشونده‌ای است که جزئیات با دور شدن از ما به آن دچار می‌شوند.

خاطرات دوران کودکی‌مان، گزندگی کمابیش فراموش‌شده بوها، طعم‌ها، بافت‌ها؛ مرگ تدریجی که با به خواب رفتن تو جهان نصیب جهان می‌کنیم. بازدام عادت، یاز سسر تنبلی، فقدان کنجکاو، شتاب‌زدگی، دیگر به چیزها نگاه نمی‌کنیم. کنواسگور می‌گوید پیر شدن مثل

نزدیک‌ترین



نزدیک‌ترین چیز به زندگی جیمز وود، ترجمه سعید مقدم نشر مرکز/ تعداد صفحات: ۱۱۲ تومان ۱۹۸۰۰

نزدیک‌ترین چیز به زندگی جیمز وود، ترجمه سعید مقدم نشر مرکز/ تعداد صفحات: ۱۱۲ تومان ۱۹۸۰۰

جهانم را سراسر بیابان گرفته!

بزرگ‌ترین صادرکننده گوشت جهان باشد.

مشکل دیگری که سازمان ملل از نقش آن در بیابان‌زایی و تخریب خاک‌های با قابلیت کشت زمین ابراز نگرانی می‌کند، خوراک دام است. این مشکل که البته با موضوع نخست ارتباط مستقیم دارد، از آن جهت است

که دام و طیور پرورشی انسان‌ها، علاوه بر مکان نگهداری، به مرتع یا مزرعه‌ای برای تأمین خوراک نیاز دارند. سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل (فائو) بیان می‌کند که باوجود قطعی‌زدگی ۸۰۰ میلیون نفر در جهان، ۵۰ درصد از غلات تولیدی جهان به مصرف پرورش دام می‌رسد. این رقم برای برخی از محصولات کشاورزی مانند سویا، به ۷۰ درصد هم‌رسیده است. چنین وضعیتی در حالی است که محصولات حیوانی، از نظر میزان زمین لازم (و البته منابع دیگری مانند آب و انرژی) ۹۱ درصد از تخریب جنگل‌های آمازون برای پرورش دام است. جنگلی که نقش پررنگی در تأمین اکسیژن زمین و تصفیه هوا دارد، به دنبال تقاضای انسان برای گوشت بیشتر، تخریب می‌شود تا بریزل همچنان بتواند



مهدی نیکویی پژوهشگر محیط‌زیست

زیاد، پایین‌ترین بهره‌وری را در استفاده از زمین (و سایر منابع) دارد. یک رژیم غذایی کاملاً گیاهی، فقط به اندازه یک‌چهارم رژیم غذایی آمریکایی به زمین نیاز دارد. وضعیت پوشاک هم شباهت زیادی به خوراک دارد. ضمن آنکه پارچه‌ها و موادی مانند چرم، پشم، خز، ابریشم و پر از حیوانات گرفته می‌شود و مشکل بهره‌وری پایین خود را دارد. افزایش مصرف گرای بی‌معضل دیگری است که سازمان ملل متحد خواستار تغییر آن است. کاهش خریدهای غیر ضروری و استفاده بیشتر از پارچه‌های گیاهی (مانند پنبه، کتان و کف) یا پارچه‌های مصنوعی باعث کاهش فشار پوشاک بر زمین و خاک می‌شود. به این صورت، زمین‌های کشاورزی کنونی هم آزاد می‌شود و به تخریب جنگل‌های بیشتر نیازی نخواهد بود.

فارغ از این مسائل، دامداری هم بر اساس آمار نهادهای مختلف، مهم‌ترین عامل گرمایش جهانی است (سهم ۱۸ تا ۵۱ درصدی از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای) و به‌طور غیرمستقیم زمین‌ها و جنگل‌های بیشتری را به بیابان تبدیل خواهد کرد. تخریب جهانی به نوبه خود، به تشدید گرمایش زمین و تغییر اقلیم منجر می‌شود. دامداری‌ها نیز با آلودگی خاک (ناشی از تمرکز دام‌ها در مناطق کوچک، زمین‌های بیش‌ترای را از دسترس انسان خارج می‌کنند.



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- تماس: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

مواسات در هندسه اجتماعی امام صادق(ع)

ما به برادری، همدلی و همراهی توصیه شده‌ایم، برای همه پهنه زندگی. پیشوایان معصوم به‌عنوان الگوهای رفتار حسنه، هم به سخن و هم به سلوک ما را به این خصلت نیک انسانی فراخوانده‌اند. اصلاً جهان با

این منش سرای زندگی زیبا می‌شود و زیستن به این قاعده آرامش‌آفرین است، حتی اگر حوادث از بی هم بیایند و بلا یا از زمین بجوشند. یعنی با همدلی و همراهی است که می‌توان راهی به سوی سلامت و سعادت و رستگاری گشود.

امام جعفر صادق(ع) ناظر به همین نگاه، می‌فرمایند: «تَوَاضَعُوا وَ تَبَوَّأُوا وَ تَرَاحِمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ...» به این معنا که «با یکدیگر پیوند داشته باشید و به هم نیکی کنید و با یکدیگر مهربان باشید و همچنان که خداوند به شما دستور داده است، برادرانی نیکو کار باشید». این را می‌توان زیر عنوان راهبردی «مواسات» تعریف کرد که هم نیاز اولویت‌دار جامعه امروز است و هم ممتازکننده امداد در جامعه باورمند به امامت است از دیگر جوامع. در همین ماجرای دامن‌گستر شدن کرونا دیدیم که کمک و یاری در جای‌جای جهان رخ نمود و مردمان دست‌همدیگر را گرفتند، اما در میان آن همه یاری و یاری‌رسانی، دستی که گرم‌تر از همه دست‌ها بود، دست ایرانیان بود که با رفتار به قاعده سلوک ائمه(ع) نه‌تنها یاری‌گر هم بودند که به غم‌خواری از هم نیز همت می‌گماشتند. شاید همین خلق و خو و رفتار عملی را بتوان یکی از عوامل موفقیت کشورمان در مواجهه با این بلیه قرن دانست، آن هم در شرایطی که ما با سخت‌ترین تحریم‌های ظالمانه دست‌به‌گریباییم. شرایطی که اگر برای هر کشور دیگری اتفاق می‌افتاد و به این بیماری دامن‌گستر هم مواجه می‌شد، به فاجعه می‌رسید، اما ما نه‌تنها به چاه فاجعه نیفتادیم، بلکه در هیئت یک کشور توسعه‌یافته توانستیم دامنه این بیماری را کنترل و شرایط را مدیریت کنیم. مسئله‌ای که با محاسبات امکاناتی و حتی علمی نمی‌توانست نتیجه‌ای چنین در خور احترام داشته باشد، اما کادر درمانی، پهلوانی را تمام کردند و مردم هم به سنت مواسات پای کار آمدند تا کاری که شکل می‌گیرد، در حد کارستان باشد. این همدلی نتیجه انصاف و ایثار است که باز در کلام نورانی امام صادق(ع) می‌خوانیم؛ «أَنْصَفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ وَاسْهَمْ فِي مَالِكَ». یعنی: «با مردم انصاف داشته باش و آنان را در مال خود سهیم کن.» مردم ما هم همین خط را پیش گرفتند و با انصاف وارد میدان شدند و لقمه‌ها را کوچک‌تر برداشتند تا به تعداد بیشتری برسد. بخشودگی عوارض از سوی مدیریت‌شهری و اجاره‌اماکن از سوی دستگاه‌های متعدد و به‌ویژه نهضت بخشیدن اجاره منازل که از سوی مردم اجرا شد، نشان داد که با شیوه امامت بهتر می‌توان جامعه را حتی در بدترین بحران‌ها مدیریت کرد. فکر می‌کنم در آستانه شهادت امام اندیشه و اخلاق و معرفت و زیست مؤمنانه، باید به بازخوانی زندگی به قاعده امامت توجه کنیم تا نتایج آن را در رسیدن به جامعه‌ای سالم و صالح تجربه کنیم، ان‌شاء...!



جعفرآغا میرزای اسدی روزنامه نگار

روزنامه‌نگاری و غم‌نان

در نیک و بد شبکه‌های اجتماعی بسیار گفته‌اند. یکی از محاسنش که از قضا شاید مهم‌ترینش هم باشد، همین پیدا کردن دوستان قدیمی است، که اگر نبود این شبکه‌ها، شاید دیدارمان با آن‌ها موکل می‌شد به دنیایی و وقتی دیگر، حالا همه‌چیز در دسترس و نزدیک‌تر شده و پیدا کردن رفیقان قدیمی هم ساده‌تر. چندی پیش در اینستاگرام به یکی از هم‌کلاسی‌های دوران دبیرستان برخوردیم. بعد از احوال‌پرسی و ذوق‌زدگی‌های معمول از پیدا کردن رفیق دیرین، از اوضاع فعلی‌ام جويا شد و سراغ کاروشغلم را گرفت. گفتیم که روزنامه‌نگارم، استیکر خنده فرستاد و خواست که شغل اصلی‌ام را بگویم. بعد که فهمید واقعا پای شغل دیگری در میان نیست، پرسید یعنی واقعا همین راه روزنامه‌نگاری زندگی را می‌گذرانی؟ (همراه با استیکر تعجب). البته چنین سؤال و جوابی چندان برام تازه گی نداشت و همواره خودم را آماده چنین مواجهه‌هایی کرده‌ام؛ چه در این مملکت، آن‌قدر روزنامه‌نگاری تحریف شده و قدر و مقامش تخفیف یافته که برای بسیاری تصور و تعریف آن به‌عنوان یک شغل حرفه‌ای غیرمعمول می‌نماید. به همین گزارش اخیر که درباره وضعیت پرداختی روزنامه‌نگاران منتشر شده است، نگاه کنید تا متوجه عمق فاجعه شوید. در این گزارش اشاره شده است که حقوق دبیرسرویس در یکی از روزنامه‌ها نزدیک به ۲میلیون تومان و متوسط پرداختی به خبرنگاران هم نزدیک به ۲/۵میلیون تومان است! این ارقام هم در رابطه با روزنامه بخش خصوصی یا دولتی یا به‌اصطلاح سازمان ممکن است قدری متفاوت باشد، اما می‌توان مدعی شد که با چنددهزار تومان بالا و پایین دریافتی روزنامه‌نگاران در همین حد و حدود است. خب این را بنگارید کنار نرخ تورم، کنار اجاره‌خانه، کنار قیمت موادغذایی و چو و چه جور در می‌آید؟ می‌توان باین دریافتی‌ها یک زندگی معمولی را اداره کرد؟ بنابراین به آن دوست قدیمی‌ام و خیلی‌های دیگری که نمی‌توانند بپذیرند که روزنامه‌نگاری شغل است، باید حق داد. در چنین اوضاع و احوالی روزنامه‌نگار چه باید بکند؟ احتمالا باید به گزارش‌های اخلاقی متوسل شویم و از شرافت و ارزش این کار و نگاه کنج‌نویسیم، باید توازنی بین آنچه می‌گوییم و آنچه در عمل اجرا می‌شود، برقرار کرد. اگر ندماً تاکید می‌کنیم که روزنامه‌نگار حافظ مدافع حقیقت است و باید به پروپای قدرت بییچد و با آن کنار رود، از آن طرف باید حدی از امنیت شغلی و مالی‌اش را تضمین کنیم. ذهن و فکری را که مدام در گیر قسط و قرض و حساب آخر ماه است، چه به نقد و جست‌وجو گری و مطالبه حقیقت؟ در کدام نشریه و جریده‌ای می‌توان سراغ گزارش‌ری تحقیقی را گرفت یا نقد تیز و برنده‌ای یافت؟ این‌ها ازمان‌های اصیل روزنامه‌نگاری است، ولی گاهی واقعیت خود را بر آن تحمیل و کمرنگ‌شان می‌کند. از طرفی، بسیاری از روزنامه‌نگاران در کنار کار دلخواه خود می‌خواهند حدی از زندگی معمولی را بر خوردار باشند. تلخ است اما اجازه بدهید اعتراف کنم که با این وضع پرداختی در رسانه‌ها و با این شرایط قرار راندنها که ماهی و سالی بند است، روزبه‌روز تحریر به‌شکل‌های نبروهای کیفی خالی‌تر خواهند شد یا آن‌ها هم که می‌مانند دیگر تاب و توانی برای یک کار جدی نخواهند داشت یا ترجیح می‌دهند به سراغ گزینه‌های جانب‌تری برای تأمین آتیه خود و خانواده‌شان بروند. آن وقت ما می‌انیم و جامعه‌ای که همین حداقل‌های افشای فساد و تخلف و تقلب را هم به خود نخواهد دید.

مانیتورینگ هوشمند

با کارایی‌های متفاوت، دسترسی آسان و سریع به اطلاعات و دیتاها، ارزیابی مناطق بر اساس شاخص‌های تعریف‌شده، مشخص‌شدن سیر پرورنده‌ها از اخطار و ثبت تا ارسال به کمیسیون و اعمال قانون هم‌افزا؛ جمله این موارد است. سیستم‌های مانیتورینگ هوشمند به کاربران این امکان را می‌دهند که از راه دور دوربین‌های مداربسته خود را مشاهده، آنالیز و کنترل کنند. این سیستم‌ها می‌توانند دیتاها را از طریق اتصال به اینترنت به هر جایی ارسال کنند تا کاربران از طریق گوشی همراه خود بتوانند تصاویر را ببینند. به‌علاوه، با استفاده از سیستم تشخیص حرکت می‌توان در مصرف انرژی به‌حجم درخور توجهی صرفه‌جویی کرد، زیرا دوربین‌ها در صورت نبود حرکت و فرد در محدوده کار نمی‌کنند. در چنین شرایطی هم حجم حافظه پر نمی‌شود و هم انرژی برق و... کمتر مصرف می‌شود. در زمینه پایش تخلفات ساختمانی، منظور از حرکت، هر گونه پیشرفت سازه‌ای شامل وجود قابلیت ارسال هشدار در این سیستم‌ها، کاربران (مدیران مربوطه) از رخ‌دادن حوادثی نظیر درگیری و وقایع خاص در اعمال قانون تخلفات ساختمانی مطلع می‌شوند. همچنین بروز خطا در سیستم با استفاده از این فناوری به‌شدت کاهش خواهد یافت، زیرا سیستم به‌صورت کاملاً اتوماتیک و برنامه‌ریزی‌شده عمل می‌کند. شفاف‌سازی در سیر پرورنده‌های مربوط و روند اعمال قانون نیز از خروجی‌های این سیستم است.

شهر و سبز

فردا (۱۷ ژوئن) روزی است که به نام «مبارزه با بیابان‌زایی و خشک‌سالی» نامیده شده است. بیابان‌زایی فرایند فرسایش و تخریب خاک در مناطق خشک و نیمه‌خشک است که یک‌سوم خشکی‌های سسپاره را در بر گرفته و ناشی از فعالیت‌های انسانی است. فقر، بی‌ثباتی سیاسی، جنگل‌زدایی، چرای بیش از حد دام و آبیاری نامناسب می‌تواند این وضعیت را وخیم‌تر کند. شرایطی که بسیاری از زمین‌های کشاورزی با جنگلی حاصلخیز درروز کشور و استان را به بیابان تبدیل کرده است.

آمارهای بیابان‌زایی جهان نگران‌کننده‌اند: ۲میلیارد هکتار از زمین‌های کشاورزی حاصلخیز، قابلیت کشت را از دست داده‌اند؛ تا سال ۲۰۳۰ تولید غذای جهان نیاز به ۳۰۰میلیون هکتار زمین جدید دارد؛ بیش از ۷۰ درصد زیست‌بوم‌های طبیعی دگرگون شده‌اند و این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۹۰ درصد خواهد رسید؛ برآورد می‌شود که منعت پوشاک ۳۵ درصد زمین بیشتری نسبت به امروز اشغال کند (برابر با ۱۱۵ میلیون هکتار که به‌اندازه کل کشور کملیامی‌شود). چنین آمارهایی برای ایران و مشهد که در مناطق خشک جهان قرار گرفته‌اند، نگرانی‌های بیشتری ایجاد می‌کند.

سازمان ملل به مناسبت روز مبارزه با بیابان‌زایی ۲۰۲۰، از شهروندان خواسته